

## جمهوری ازبکستان: کشوری در حال تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای

دکتر بهرام امیراحمدیان<sup>۱</sup>

جمهوری ازبکستان کشوری توانمند در منطقه آسیای مرکزی و با ثبات‌ترین جمهوری در میان کشورهای منطقه می‌باشد که می‌تواند با تکیه بر سابقه تاریخی دولت‌مداری و تمدن اسلامی به قدرتی تاثیرگذار در منطقه خود تبدیل شود.

از طرفی این جمهوری می‌تواند با نزدیکی با دوری به روسیه و قدرت‌های برتر جهانی (ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا)، اتخاذ وضعیت استقلال یا انزوا از مناسبات جهانی و ترتیبات منطقه‌ای سرنوشت و آینده سیاسی خود را رقم زند. البته برای رسیدن به اهداف خود نیازمند به اتخاذ استراتژی سنجیده و تدوین سیاست‌های داخلی و خارجی مناسبی است که بتواند آن را به اهداف خود رهنمون نماید.

سوالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که در صورت شکل‌گیری ازبکستانی مقتدر به عنوان قدرت برتر و بلامنازع منطقه‌ای آیا این کشور می‌تواند از موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی مناسبی که دارد در راه دستیابی به توسعه‌ای پایدار گام بردارد؟

واژگان کلیدی: ازبکستان، آسیای مرکزی، قدرت‌های منطقه‌ای.

<sup>۱</sup>. پژوهشگر حوزه آسیای مرکزی و قفقاز

مقدمه

فروپاشی امپراتوری شوروی و ظهور فزاینده اسلام سیاسی، اهمیت و نقش آسیای مرکزی را دستخوش تحول اساسی نموده است. رقابت‌های فزاینده بر سر انرژی از یک سو و تاثیر مبارزه آمریکا با تروریسم، نگاه بیرونی به منطقه آسیای مرکزی را تحت الشعاع قرار داده است.

در آوریل سال ۱۹۰۴، سر هالفورد جان مکیندر در گزارش خود برای انجمن سلطنتی جغرافی‌دانان در لندن به اهمیت این منطقه اشاره کرده است. وی در نظریه خود مدعی شد که منطقه بسته آسیای مرکزی محور موازنه جهانی است.

جمهوری ازبکستان با مساحتی برابر ۴۴۷/۴ هزار کیلومتر مربع، در بخش مرکزی آسیای مرکزی و بخش بزرگی از سرزمین‌های واقع در بین رودخانه‌های سیر دریا و آمو دریا قرار گرفته است. این کشور با پنج کشور قرقیزستان در شمال شرقی، قزاقستان در شمال و شمال غربی، ترکمنستان در جنوب غربی، تاجیکستان در جنوب شرقی و افغانستان در جنوب هم مرز است.

همچنین این جمهوری پرجمعیت‌ترین کشور در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی است و از طرفی سومین کشور در میان اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع بعد از روسیه و اوکراین می‌باشد. در سال ۲۰۰۷ جمعیت ازبکستان به ۲۷ میلیون نفر رسید که حدود ۶۳ درصد آنها در روستاها زندگی می‌کنند. از لحاظ ترکیب جنسی ۴۹/۵ درصد جمعیت را مردان و ۵۰/۵ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین از لحاظ ترتیب سنی، کودکان و نوجوانان تا ۱۴ سال ۴۰/۸ درصد و جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال ۲۸/۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

پیش بینی می‌شود جمعیت ازبکستان با رشد فعلی ۱/۷ درصد، در سال ۲۰۲۵ به ۳۳ و در سال ۲۰۵۰ به ۳۷ میلیون نفر برسد. ازبکستان با وجود مساحت کم (که ۱۱ درصد کل مساحت آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهد)، به تنهایی بیش از ۴ جمهوری دیگر آسیای مرکزی جمعیت دارد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ مردم مسلمان ازبکستان اعلام استقلال کردند و به جرگه کشورهای عضو سازمان ملل پیوستند. از آن زمان دولت و ملت ازبکستان برای احیای مجدد دولت‌مداری و بازیابی فرهنگ و هویت ملی و اسلامی خود

کوشش‌های فراوانی کرده‌اند و توانسته‌اند به یکی از کشورهای قدرتمند و تاثیرگذار منطقه خود تبدیل شوند. همچنین به نظر می‌رسد که ازبکستان با عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان اکو، سازمان همکاری‌های شانگهای، سازمان امنیت دسته جمعی کشورهای مستقل مشترک المنافع و عضویت در سازمان اقتصادی اوراسیا خود را به کشوری مهم تبدیل کرده باشد.

با توجه به آنچه که گفته شد این پرسش مطرح می‌شود، آیا این جمهوری توانایی آن را دارد که به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شود؟ الزامات آن چیست؟ موانع پیش رو کدامند؟ و فرصت‌ها و تهدیدات آن چیست؟

### نقاط قوت

#### الف) اقتصاد ازبکستان

در وهله نخست، هر کشوری برای تبدیل شدن به قدرتی تاثیر گذار بایسته است که از نظر اقتصادی بتواند در محیط بین الملل به عنوان شریکی قابل اعتماد برای تجارت خارجی با دیگر کشورها ایفای نقش نماید و با تامین زیرساخت‌های حقوقی و قانونی، فضای مناسب کسب و کار و سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) امکان شکوفایی و رونق اقتصادی خود را فراهم آورد. همچنین ثبات سیاسی و تامین امنیت را در راستای توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری خود قرار دهد.

در این راستا طی ۵ سال گذشته اصلاحات انجام شده در ازبکستان منجر به رشد پویای اقتصادی آن گردیده است؛ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی بیش از ۷ درصد بوده و در سال ۲۰۰۷ و نیمه نخست سال ۲۰۰۸ به بیش از ۹ درصد رسیده است. البته رشد قیمت‌های جهانی هیدروکربورها (که ازبکستان نیز به عنوان کشور صادرکننده گاز از آن بهره‌مند شده است) در این زمینه تاثیر داشته است.

این کشور با به کارگیری امکانات اقلیمی و کوشش نیروی انسانی از روزهای آغازین استقلال خود به دوره‌ای از خودکفایی برای تامین غذا، به ویژه غلات و انرژی دست یافته است. در آغاز استقلال ازبکستان سالانه فقط ۴۰۰-۳۰۰ هزار تن غلات تولید می‌کرد در حالی که اکنون در این کشور بیش از ۶ میلیون تن محصول غله تولید می‌گردد. برخی از کارخانه‌های بزرگ ازبکستان که در عین حال بزرگترین کارخانجات در

آسیای مرکزی به شمار می‌روند، مانند کارخانجات معادن و ذوب فلزات نوایی و آلومینیک، کارخانه ذوب آهن بک‌آباد، کارخانه هواپیماسازی چگالف تاشکند، کارخانه سیمان و دیگر کارخانه‌ها تعمیر شده با موفقیت به فعالیت خود ادامه می‌دهند. همچنین رشد عمده در بهره‌وری کارخانه‌های فرآوری ازبکستان سبب تغییرات ساختاری مثبت در توسعه صنایع این کشور شده است. از طرفی حضور کالاهای مصرفی تولید شده بومی در بازارهای محلی افزایش یافته و حجم واردات کالاهای مصرفی ۷۰/۸ درصد کاهش یافته است.

همچنین نقش تولید بخش خصوصی در اقتصاد ازبکستان در حال افزایش می‌باشد. این نقش به ویژه در مناطق روستایی نیز در حال رشد است و حدود ۹۹ درصد محصولات کشاورزی را تولید می‌کنند. از آغاز سال ۲۰۰۲، توسعه سریع کشاورزی به عنوان کلید جهت‌گیری اصلاحات در کشاورزی انتخاب شده است؛ به همین دلیل بیش از ۱۸۱ هزار و ۷۰۰ مجتمع کشاورزی در این کشور فعالیت دارند. به سبب ابتکارات، تجربیات، دانش و درک آنان از مالکیت زمین، کشاورزان ازبک ۷۰ درصد تولید پنبه و پشم در سال ۲۰۰۵ کشور را در اختیار داشتند در حالی که ۵ سال پیش این رقم کمتر از ۲۰ درصد بود. سهم مزارع در تولید غله نیز به ۸۰ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۳۰)

اگرچه ازبکستان در تولید محصولات کشاورزی موفقیت‌های چشم‌گیری بدست آورده است اما چالش تامین آب مورد نیاز که سهم بیشتر آن از طریق آب‌های وارده از رودخانه‌های فرامرزی است (آمودریا و سیر دریا) می‌تواند در آینده این کشور را با بحران جدی آب روبرو سازد. این کشور که بخش عمده آن را بیابان قزل قوم در بر گرفته است در منطقه‌ای خشک قرار دارد که کشاورزی آن آبی و به شدت نیازمند آبیاری مصنوعی است؛ از طرفی مقدار بارندگی اندک آن و نیز تبخیر شدید آب، بر شدت مساله افزوده است. با توجه به این مطالب از هم اکنون طرح احداث سدهای سنگ توده ۱ و سنگ توده ۲ بر روی رود آمودریا در قلمرو تاجیکستان و سدهای قنبرآتا ۱ و قنبر آتا ۲ بر روی رود سیر دریا در قرقیزستان که تنظیم و مهار آب‌های مورد نیاز ازبکستان را در خارج از مرزهای این کشور تحت تاثیر قرار خواهد داد، مورد اعتراض دولت ازبکستان قرار گرفته و این کشور را به اتخاذ مواضع تند علیه این اقدامات واداشته است. کشاورزی ازبکستان با اتکا به کشت محصولات استراتژیک پنبه و غلات و جالیزی به شدت وابسته به آب‌های فرامرزی ورودی است و در صورت کمبود ناگزیر به تغییر الگوهای کشت، روی آوردن به کشاورزی عمقی و مکانیزه است

که با جمعیت فزاینده نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان یا گسترش زمین‌های کشاورزی است که در هر دو صورت می‌توان گفت که به سادگی قابل دسترس نخواهد بود و با محدودیت‌های مالی و تکنیکی مواجه خواهد شد.

### ب) انرژی

ذخایر ثبت شده نفت خام ازبکستان در پایان سال ۲۰۰۶ برابر ۶۰۰ میلیون بشکه و ذخایر ثبت شده گاز در پایان سال ۲۰۰۶ نیز معادل ۱/۸ تریلیون متر مکعب بوده است که به تنهایی ۱ درصد کل ذخایر جهانی را تولید می‌کند اما از نظر مصرف انرژی، ازبکستان ۱/۵٪ کل مصرف گاز جهان را مصرف می‌کند. مصرف نفت ازبکستان در سال‌های اخیر نسبت به تولید افزایش یافته است که با توجه به افزایش جمعیت و بدنبال آن نیاز به تولید بیشتر در صورت ادامه روند کنونی این کشور نیاز به واردات نفت خام خواهد داشت.

در جدول زیر وضعیت ذخایر، تولید و مصرف انرژی ازبکستان نشان داده می‌شود.

۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۶	ذخایر، تولید و مصرف نفت و گاز در ازبکستان
۶۰۰	۶۰۰			ذخایر نفت خام (میلیون بشکه)
۱۲۵	۱۲۶	۱۷۷	۱۷۴	تولید نفت (هزار بشکه در روز)
۱۴۳	۱۳۹	۱۳۸	۱۳۵	مصرف نفت
۱/۸۷	۱/۸۵			ذخایر گاز طبیعی (تریلیون متر مکعب) در پایان سال
٪۱۱۰				درصد نسبت به کل جهان
۵۵/۴	۵۵/۰	۵۲/۶	۴۵/۷	تولید گاز طبیعی (میلیارد متر مکعب)
۴۳/۲	۴۴/۰	۴۷/۱	۴۳/۳	مصرف گاز طبیعی
٪۱/۵				درصد نسبت به کل جهان

### ج) ارتش ازبکستان

ازبکستان پیشرفته‌ترین ارتش منطقه آسیای مرکزی را دارا است. نیروی زمینی آن مرکب از ۵۰ هزار نیرو، نیروی هوایی ۱۷ هزار نفر و نیروی انتظامی (پلیس) ۱۹ هزار نفر است. بر اساس دکترین نظامی ازبکستان، ارتش این کشور تدافعی و بر قلمرو هیچ کشوری ادعای ارضی ندارد و خواستار منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است.

همکاری نظامی ازبکستان با روسیه از سال ۱۹۹۲ آغاز گردید که بر مبنای معاهده دوستی دو کشور بود. این همکاری‌ها در سال ۱۹۹۴ با امضای پیمان نظامی، در سال ۱۹۹۹ با موافقتنامه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی و در نوامبر سال ۲۰۰۵ با پیمان اتحاد میان دو کشور ادامه داشته است. بر اساس آخرین پیمان همکاری‌های متقابل در مقابل تهدیدات امنیتی هر یک از طرفین، دو کشور با هم همکاری استراتژیک خواهند داشت. در دسامبر سال ۲۰۰۶ ازبکستان بار دیگر به پیمان امنیت دسته جمعی پیوست که در سال ۱۹۹۹ از آن خارج شده بود. اعضای این پیمان شامل روسیه، بلاروس، ارمنستان و کشورهای آسیای مرکزی (به جز ترکمنستان) است. تا قبل از سال ۲۰۰۵ ازبکستان با سازمان ناتو در برنامه مشارکت برای صلح همکاری داشت و نقش مهمی در این برنامه ایفا می‌کرد. (Jim Nicol: Report for Development)

ارتش ازبکستان دارای مجهزترین ادوات نظامی می‌باشد؛ نیروی هوایی این کشور با برخورداری از هواپیماهای جنگی سوخو و میگ‌های پیشرفته از جمله میگ ۲۹، هواپیماهای ترابری، بالگردهای تهاجمی و ترابری ساخت شوروی و روسیه، توانایی‌های مناسب و قابل توجهی دارد. این جمهوری تنها کشور آسیای مرکزی می‌باشد که پس از رویداد ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در مبارزه با تروریسم با آمریکا همکاری داشته است و پایگاه خان آباد را در اختیار آمریکا قرار داد. همچنین ازبکستان علاوه بر داشتن نیروی هوایی قوی، یکی از کشورهای تولید کننده هواپیماهای مسافری است.

در تابستان سال ۱۹۹۲ شورای عالی جمهوری ازبکستان قانون دفاعی این کشور را تصویب کرد. در قانون مذکور تشکیل نیروهای نظامی کشور تصریح شده است. براساس این قانون نیروهای نظامی ازبکستان از واحدهای زمینی، هوایی، نیروهای دفاع هوایی، نیروهای هوابرد و نیز گارد ملی تشکیل شده است. همچنین این قانون تصریح می‌کند که قدرت و تاسیسات نظامی آن صرفاً مقاصد دفاعی دارد. نیروی زمینی ازبکستان بخش اعظم ارتش را به خود اختصاص می‌دهد.

## فرصت‌ها

### الف) ازبکستان و همکاری‌های استراتژیک

ازبکستان برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای با چالش‌هایی روبرو می‌باشد. ابتدا نیازمند ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی است که البته با برقراری ثبات و ایجاد تعادل در بین نیروها تا حدود زیادی بدان دست یافته است.

از طرفی این کشور با کنترل تحرک جنبش‌های اسلامی افراطی از جمله حزب التحریر، افول اندیشه‌های طالبانیسم و برقراری اسلام‌گرایی متعادل در بین مسلمانان با توسعه مساجد و بازسازی و بازبرپایی یادمان‌های اسلامی از جمله مدارس دینی و توسعه آنها در راه اعتلای دینی و سیاسی موفقیت‌هایی بدست آورده است.

این ثبات سیاسی خود موجب و موجب جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به سوی ازبکستان و ثبات در بخش تولید ملی از جمله در صنعت و کشاورزی می‌گردد که به نوبه خود باعث استقلال اقتصادی و تامین مواد غذایی جمعیت فزاینده آن شده است.

ازبکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی پر جمعیت‌ترین جمهوری می‌باشد که از سیاست‌های جمعیتی مناسبی برخوردار است. اگرچه تاجیکان جمهوری ازبکستان تعداد جمعیت مناطق تاجیک نشین را زیاده‌تر از واقعیت اعلام می‌کنند ولی در بین جمعیت تاجیک تبار ازبکستان اندیشه‌های واگرایی کمتری به چشم می‌خورد زیرا وضعیت اقتصادی و سیاسی و حتی مذهبی تاجیکان ازبکستان بسیار پایین‌تر از تاجیکان ازبکستان است. آنها به خوبی بر این امر واقفند که تاجیکستان ضعیف یارای رقابت و برابری با ازبکستان را ندارد و نخواهد داشت.

همچنین این جمهوری در سال‌های اخیر رشد متناسب تولید ناخالص داخلی با میانگین سالانه ۷ درصد را تجربه کرده است. (بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی مراکز دولتی و سازمان‌های بین‌المللی) این بدان معنا است که چند برابر بیش از نرخ رشد جمعیت، نرخ رشد را دنبال می‌کند که در نهایت به بهره‌مندی بیشتر جمعیت منجر خواهد شد.

مورد دیگر، نقش ازبکستان در صحنه سیاسی و استراتژیک منطقه است. عضویت ازبکستان در سازمان همکاری شانگهای به افزایش سطح قدرت ازبکستان در منطقه کمک

کرده است. همچنین وضعیت قرارگیری ازبکستان در میان و قلب قلمرو شانگهای بسیار ارزشمند و پر بها می‌باشد. هر نوع همگرایی و واگرایی ازبکستان با بدنه پیمان شانگهای این سازمان را با چالشی جدی مواجه می‌کند. دولت ازبکستان به خوبی از این ظرفیت خود آگاه است. در چارچوب شانگهای نیز مسایلی کلیدی وجود دارد که همگرایی و واگرایی آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ مشکلات پاکستان و امکان تجزیه آن و آینده افغانستان و هم چنین وضعیت ترکمنستان می‌تواند آینده سازمان را دگرگون کند. مخالفت ازبکستان و قزاقستان با تاجیکستان و قرقیزستان برای سد کردن آب‌های خروجی به سوی این دو کشور از چالش‌های مهم سازمان است.

همچنین موقعیت جغرافیایی ازبکستان به افزایش جایگاه ژئوپلیتیکی این کشور کمک کرده است. در اوایل سال ۲۰۰۹ زمانی که پارلمان قرقیزستان تصمیم گرفت به حضور نظامی آمریکا در پایگاه بیشکک خاتمه دهد، ازبکستان از این برگ برنده برای تحمیل اراده خود به روسیه بهره گرفت زیرا در دوره حضور نظامی آمریکا در پایگاه خان آباد ازبکستان (در نقطه ورودی و بسیار استراتژیک دره فرغانه و نقطه تلاقی مرزی ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان و نزدیک مرز افغانستان) روسیه روابط خود را با ازبکستان از دست رفته می‌پنداشت و روابط به سردی گراییده بود.

از طرفی رویداد اندیجان در سال ۲۰۰۵ به شدت از سوی غرب مورد انتقاد و تنبیه قرار گرفت و سبب روی آوردن دوباره ازبکستان به روسیه و ساختارهای امنیتی منطقه به ویژه پیوستن دوباره به پیمان شانگهای و در نهایت سبب تقویت موضع این سازمان و متعاقب آن پذیرش ایران، هند، پاکستان و مغولستان به عنوان اعضای ناظر شد. البته مساله اندیجان مساله‌ای داخلی بود و غرب با بهانه برخورد با ازبکستان این مساله را بزرگ کرده است. اکنون همه آنها با آغوشی باز به سوی ازبکستان می‌روند. در آغاز آوریل ۲۰۰۹ آمریکا موفق شد تا با جلب رضایت اوکراین برای دادن اجازه به ناتو در حمل محمولات به افغانستان از طریق خاک این کشور و نیز جلب موافقت روسیه در همکاری در این زمینه، موافقت ازبکستان را نیز در استفاده از خاک این کشور برای محمولات غیر نظامی و تسلیحاتی کسب کند. (امیراحمدیان: ۱۳۸۷: ۲۱)

از سرگیری مجدد روابط دوستانه " تاشکند - واشنگتن "، امکان‌اتی را در اختیار ارتش آمریکا قرار می‌دهد تا به ادامه تدارکات و پشتیبانی نیروهای ناتو و ائتلاف در خاک افغانستان و



پاکستان ادامه دهد. این رویداد ممکن است حاکی از کم رنگ شدن نفوذ روسیه در آسیای مرکزی باشد. "اسلام کریم اف" رئیس جمهور ازبکستان روز ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۸ اعلام کرد که فرودگاه حمل و نقل در شهر نوایی برای انتقال تدارکات ناتو برای پشتیبانی از نیروهای ائتلاف در افغانستان مورد استفاده قرار گرفته است. این اعلام رئیس جمهوری ازبکستان همزمان با سفر "لی مون بک"، رئیس جمهوری کره جنوبی به تاشکند صورت گرفت.

پس از رویداد "اندیجان" در سال ۲۰۰۵ که با دخالت سازمان‌های آمریکایی به وقوع پیوست، روابط گرم و صمیمی میان دو کشور به یکباره از هم پاشید و ارتش آمریکا مجبور شد پایگاه هوایی خان آباد ازبکستان را ترک کند.

اگر چه قرارداد بازسازی فرودگاه حمل و نقل هوایی ظاهراً میان مقامات دولتی و تجارتهای ازبکستان و کره جنوبی بسته شده است، اما به نظر می‌رسد که ارتش آمریکا در انقضاء آن ذی‌نفع بوده است. به نوشته اوراسیانت، بر پایه سندی که به دست آمده است، فرماندهی حمل و نقل ارتش آمریکا در اواخر سال ۲۰۰۸ راه‌های ایجاد یک شبکه پشتیبانی در ازبکستان را برای استقرار محموله‌های ارسالی از مسیر شمالی را بررسی کرده است. (خبرگزاری فارس: ۱۳۸۸)

#### ب) همکاری‌های ازبکستان با روسیه

روابط ازبکستان با روسیه در آغاز استقلال، بر مبنای مناسبات دوره شوروی بود و هر دو کشور ناگزیر به ادامه همکاری بودند. محصولات ساخته شده و نیمه ساخته ازبکستان ناگزیر به صدور به روسیه بود و همین وابستگی در روسیه نیز وجود داشت. منطقه اقتصادی آسیای مرکزی مرکب از ۴ کشور ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان در یک اقتصاد متمرکز با ۱۷ منطقه اقتصادی دیگر دوره شوروی، روابط تنگاتنگی با یکدیگر داشتند اما در فرایند دولت‌سازی و تشکیل دولت - ملت، ازبکستان از جمهوری‌های موفق بازمانده از اتحاد بود که توانست به سمت استقلال سیاسی و اقتصادی گام بردارد. در حال حاضر کشورهای منطقه به خصوص ازبکستان و قزاقستان گزینه‌های مورد نظر خود را برای همکاری با در نظر گرفتن منافع ملی خود انتخاب می‌کنند. به همین سبب از وابستگی ازبکستان به روسیه کاسته می‌شود و روابطی منطقی‌تر بین دو کشور در انتخاب شریک پیش می‌آید.

اکنون با در نظر گرفتن شرایط جدید، روابط ازبکستان با روسیه از روندی منطقی برخوردار است. روابط با روسیه جایگاه مهمی را در سیاست خارجی جمهوری ازبکستان دارد. سال ۲۰۰۴ بین کشورهای روسیه و ازبکستان قرارداد مشارکت استراتژیک و سال ۲۰۰۵ قرارداد روابط اتحادی که به ارتقای همکاری‌های متقابل کمک می‌کند، امضا گردید. ازبکستان و روسیه همکاری‌های نزدیکی را تقریباً در تمامی زمینه‌های اقتصادی- بازرگانی انجام می‌دهند. افزایش سریع میزان تبادلات کالا بین دو کشور و برگزاری منظم همایش‌های تجاری، نمایشگاه‌ها و اجلاس‌های کمیسیون‌های مشترک نمودار روشن آن می‌باشد. ازبکستان و روسیه در زمینه‌های نظامی و نظامی - فنی همکاری موفقیت‌آمیزی را انجام می‌دهند که شامل خرید و فروش فرآورده‌های نظامی، نوسازی جنگ‌افزارها، آموزش نظامیان، برگزاری مانورهای مشترک و تدوین برنامه‌های بین دولتی در مورد تحقیقات فضایی می‌باشد.

روسیه یکی از بزرگترین شرکای اقتصادی ازبکستان محسوب می‌گردد. میزان تبادلات کالا به طور مستمر افزایش و ظرفیت صادراتی و وارداتی گسترش می‌یابد. حدود یک چهارم تجارت خارجی ازبکستان به سهم تجارت با روسیه تعلق دارد. از سال ۲۰۰۵ به بعد هر سال میزان تبادلات تجاری از مرز ۱ میلیارد دلار تجاوز می‌کند. شایان توجه است که اگر قبلاً مازاد تجاری در تجارت ازبکستان و روسیه به نفع روسیه بود، امروز به نفع ازبکستان است و به طور متوسط سالانه بالغ بر ۸۰۰ میلیون می‌باشد.

از طرفی ابعاد همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری نیز میان دو کشور در حال گسترش است. در این رابطه لازم است کارهای گسترده‌ای را که با همکاری شرکت‌های «گازپروم»، «لوک‌آیل»، «سویوزنفت‌گاز»، «استروی ترانس‌گاز» (شرکت ساختمان تأسیسات انتقال گاز) و «وولگابورماش» (شرکت تولید دستگاه‌های حفاری ولگا) به منظور رشد زیربنای بخش سوخت و انرژی، اکتشافات زمین‌شناسی، اکتشاف و مورد بهره‌برداری قرار دادن معادن، صورت گرفته است، یادآور شویم.

همچنین برنامه همکاری اقتصادی برای سال‌های ۲۰۱۲ - ۲۰۰۸ بین دولت جمهوری ازبکستان و دولت فدراسیون روسیه، موافقتنامه همکاری در زمینه هواپیماسازی بین دولت جمهوری ازبکستان و دولت فدراسیون روسیه، برنامه همکاری بین وزارت

امور خارجه جمهوری ازبکستان و وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه برای سال ۲۰۰۸ امضا شده است. (پراودا وستوکا: ۲۰۰۸)

### ج) ازبکستان و جامعه اقتصادی اورآسیا

جامعه اقتصادی اورآسیا در تاریخ ۱۰ اکتبر سال ۲۰۰۰ میلادی توسط روسیه فدراسیون، جمهوری‌های بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان بر پایه پیمان گمرکی برای شکل‌گیری فضای اقتصادی واحد و هماهنگ کردن برخوردها در پیوند به اقتصاد جهانی تاسیس شده است.

در نشست شورای سران کشورهای سازمان «همکاری آسیای مرکزی» در ماه اکتبر سال ۲۰۰۵ میلادی در شهر سنت‌پترزبورگ روسیه، اعضا به منظور توسعه همگرایی اقتصادی در فضای اورآسیا پیرامون ادغام سازمان «همکاری آسیای مرکزی» با جامعه اقتصادی اورآسیا و پذیرش عضویت ازبکستان در جامعه اقتصادی اورآسیا توافق نمودند و طی نشست عالی جامعه اقتصادی اورآسیا در ۲۵ ژانویه سال ۲۰۰۶ میلادی در شهر سنت‌پترزبورگ روسیه، جمهوری ازبکستان رسماً به عضویت جامعه اقتصادی اورآسیا پذیرفته شد.

هم‌اکنون جمهوری ازبکستان همکاری گسترده‌ای با دولت‌های عضو جامعه اقتصادی اورآسیا در زمینه بازرگانی و اقتصادی دارد؛ شاخص‌های رشد حجم بازرگانی خارجی و توسعه همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری با اعضای جامعه مذکور این واقعیت را تایید می‌کند.

امروزه دولت‌های عضو جامعه اقتصادی اورآسیا یکی از عمده‌ترین شرکای بازرگانی ازبکستان در منطقه می‌باشند و بیش از ۴۰ درصد گردش کالای جمهوری به سهم آنها تعلق دارد. با توجه به این که روسیه و قزاقستان از شرکای مهم بازرگانی در میان کشورهای جامعه اقتصادی اورآسیا می‌باشند، حجم مبادلات آنها به تناسب ۷۰/۴ درصد و ۲۰/۸ درصد در گردش کالاهای کل جمهوری ازبکستان با کشورهای جامعه اقتصادی اورآسیا را تشکیل می‌دهد.

نکته مهم این است که هم‌اکنون ازبکستان دارای تراز مثبت گردش کالا با کلیه کشورهای جامعه اقتصادی اورآسیا می‌باشد. این بدان معنی است که طی سال‌های ۲۰۰۴ و

۲۰۰۷ گردش کالا میان کشورهای جامعه اقتصادی اورآسیا بیش از ۶/۳ برابر رشد کرده است.

در زمینه ترابری نیز همکاری میان اعضا به صورت چشمگیری در حال توسعه می‌باشد. توافق حاصل شده در این زمینه با دولت‌های عضو جامعه اقتصادی اورآسیا برای توسعه هر چه کاراتر ظرفیت صادراتی جمهوری ازبکستان و بالا بردن رقابت پذیری کالاهای ازبکی به وسیله کاهش اجزای تشکیل دهنده ترابری کمک می‌کند. چنانکه، در سال ۲۰۰۶ میلادی به موجب توافق با فدراسیون روسیه تخفیف به اندازه ۳۰ درصد از تعرفه راه آهن برای حمل و نقل الیاف پنبه در حوزه‌های اوزنکی - توپولی و اکسریسک - اوسپنکس و ۴۰ درصد در حوزه‌های لوکوت - نخودکا بدست آمده بود. علاوه بر آن، در حمل و نقل بارهای فاسد شدنی، ضریب کاهنده ۰/۶ در تعرفه راه آهن قزاقستان و ضریب کاهنده ۵/۵ در تعرفه راه آهن روسیه اعمال می‌شود. (هفته نامه «دلای پارتتر» شماره ۱۲ مورخ ۲۶ مارس سال ۲۰۰۸)

### سابقه اسلام در ازبکستان

مردم آسیای مرکزی وارث تمدن‌های کهن می‌باشند که برخی از آنها مربوط به قبل از اسلام است؛ اما دین اسلام طی هزار سال در گستره‌ای عظیم، زندگی روزمره مردم آسیای مرکزی و به ویژه ازبکستان را هدایت کرده است. از اواسط قرن ۱۰ تا پایان قرن ۱۶ میلادی اسلام به عنوان مهمترین دین در این منطقه شناخته شد و آسیای مرکزی به یکی از معتبرترین کانون‌های فرهنگی جهان اسلام تبدیل گردید. شهرهای بخارا و سمرقند از قرن سوم هجری به بعد بعنوان دو مرکز مهم تدریس علوم اسلامی شناخته شد و علمای مسلمان از نقاط مختلف گیتی جهت کسب تازه‌ترین برداشت‌ها از اسلام به آن دیار می‌شتافتند.

از همان ابتدای ورود اسلام در این سرزمین، تصوف در ازبکستان رو به شکوفایی نهاد و بخارا و خیوه به عنوان مهمترین مراکز تعلیمات صوفیه در قرون وسطی به شمار می‌رفتند و در گسترش مکاتب تصوف در کل جهان اسلام از اهمیت شایانی برخوردار بودند. نجم الدین کبری (۱۲۲۱-۱۱۴۵م) در خیوه به تعلیم طریقتی پرداخت که به «کبرویه» معروف شد و بهاءالدین نقشبند در بخارا مسلک نقشبندیه معروف به طریقت خواجگان را اشاعه داد. هم‌اکنون مکتب نقشبندیه یکی از بزرگترین فرقه‌های تصوف است و همچنان پیروانی را در

خاور و باختر به خود جذب می‌کند. همچنین «یسویه» در سراسر منطقه «قادریه» در فرغانه و «چشتیه» در خوقند پیروان زیادی دارد. (امیراحمدیان: ۱۳۸۷)

دولت ازبکستان دولتی سکولار و غیر دینی می‌باشد و این موضوع در قانون اساسی ازبکستان تصریح شده است. با توجه به این مطلب که بیش از ۸۵٪ جمعیت ازبکستان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در قانون اساسی از اسلام و دیگر ادیان ذکر می‌شود. به میان نیامده است اما حکومت ازبکستان برای کسب وجه در میان ملل مسلمان ناگزیر به رعایت شعائر اسلامی از جمله اعلام تعطیلی اعیاد اسلامی هم چون عید فطر و قربان است. هر چند نوروز هم به عنوان یک آئین اسلامی و ملی جشن گرفته می‌شود. ازبکستان به عنوان یک کشور مسلمان، عضو سازمان کنفرانس اسلامی است و شهر تاشکند در سال ۲۰۰۷ به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام برگزیده شد.

دولت ازبکستان برای افزایش حس هویت ملی در میان مردم و تقویت وحدت ملی در زمینه بزرگداشت دانشمندان اسلامی کوشش‌هایی به عمل آورده است که بیشتر در راستای جلب و جذب جریان‌های اسلامی و ایجاد ثبات و آرامش در کشور و به علت اعتقادات مردم به سنن اسلامی و علاقه آنان به دانشمندان بزرگ اسلامی برخاسته از این سرزمین است. ازبکستان در سال ۱۹۹۱ قانون آزادی عقیده و سازمان‌های دینی را صادر نمود. طبق قانون مذکور دین از سیاست جدا است و اتباع ازبکستان صرف نظر از اعتقاد خود در برابر قانون مساوی می‌باشند و نیز هیچ یک از ادیان نسبت به دیگری امتیاز و محدودیت ندارد. همچنین قانون مذکور تصریح می‌کند که دولت از نظر مالی فعالیت سازمان‌های دینی را مانند فعالیت‌های سازمان‌های الحادی تامین نمی‌کند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، ازبکستان توانایی تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای را دارا است زیرا در منطقه خود (آسیای مرکزی) رقیبی ندارد. این کشور با موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ارزشمند و بی‌بدیل، وحدت ملی و هویت ملی قوی، در جهان اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است.

در یک تفکر منطقه‌گرایی ازبکستان توانایی آن را دارد که در کنار جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سازمان همکاری‌های منطقه‌ای اکو یا سازمان همکاری شانگهای در همکاری‌های منطقه‌ای از توان‌های موجود بهره‌برداری کند.

از این رو جمهوری اسلامی ایران در این چارچوب به جهت داشتن امکانات گسترده به ویژه در زمینه حمل و نقل و ارتباطات می‌تواند علاوه بر این که مکملی برای توسعه اقتصادی ازبکستان باشد با این کشور نیز همکاری نماید.

در این راستا از زمان استقلال این جمهوری، سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر تاشکند به مرکزی جهت توسعه روابط نزدیک میان دو کشور تبدیل گردید و با برگزاری ۹ کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی زیرساخت‌های حقوقی و قانونی مناسبی را برای همکاری‌های همه جانبه فراهم آورد.

در شهرهای سمرقند و بخارا کانون‌های فرهنگی زیادی در رابطه با روابط فرهنگی میان دو ملت و دولت فعالیت دارند. انجمن روابط فرهنگی و علمی ازبکستان و ایران که شعبه‌ای در شهر سمرقند دارد، در محله پنجاب تاسیس شده است. ایرانی تباران ساکن این منطقه فعالیت‌های فرهنگی گسترده‌ای را در مدرسه قدیمی ایرانیان و در چارچوب قوانین ازبکستان انجام می‌دهند که نشان دهنده حسن نیت دولت ازبکستان در توسعه روابط دو کشور است.

در زیر نگاهی گذرا به زمینه‌های همکاری‌های دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان و توصیه‌هایی برای توسعه بیشتر روابط ارائه می‌شود:

### همکاری‌های اقتصادی بازرگانی

- با مطالعات میدانی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در بازارهای ازبکستان مشاهده گردید که با وجود بازارهای مناسب برای کالاهای ایرانی، کمتر این کالا در این بازارها دیده می‌شود. تاسیس اتاق‌های مشترک میان دو کشور و برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی مستقل هر دو کشور در کشورهای یکدیگر از راه‌های توسعه روابط است که باید با جدیت دنبال شود.

- با تصویب قانون خصوصی‌سازی دارایی‌های دولت و واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت

بخش خصوصی توسعه بیشتری یافته است. در حال حاضر فضای مناسبی برای کسب و کار و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران فراهم شده است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هر دو کشور در کشور یکدیگر نیازمند فعالیت بیشتر نمایندگی‌های سیاسی و رایزنی‌های بازرگانی دو کشور است.

- در سال ۲۰۰۷ براساس اطلاعات موجود حجم روابط میان دو کشور حدود ۶۷۰ میلیارد دلار بوده که شامل ۵۵ میلیون دلار صادرات ایران به ازبکستان و مابقی صادرات ازبکستان به ایران بوده است. به نظر می‌رسد که ظرفیت روابط تجاری دو کشور می‌تواند تا حدود ۲ میلیارد دلار در سال افزایش یابد.

### کشاورزی

هر دو کشور ایران و ازبکستان دارای تجربیات ارزشمندی در زمینه کشاورزی می‌باشند. مبادله تجربیات در زمینه کشت‌های گسترده در مجتمع‌های کشاورزی و تعاونی‌های تولید دولتی در نظام‌های متفاوت می‌تواند زمینه‌های خوبی برای همکاری باشد. - سیستم‌های آبیاری متمرکز و تحت فشار با در نظر گرفتن منابع محدود آب از دیگر زمینه‌های همکاری دو کشور است.

- ایران تجربیات خوبی در زمینه سدسازی و شبکه‌های آبیاری با دانش نوین کسب کرده است و آمادگی صدور خدمات فنی و مهندسی به ازبکستان را دارد. ازبکستان نیز به نوبه خود دارای تجربیات گران‌بهایی در زمینه سیستم‌های آبیاری در سطوح گسترده است که از زمان شوروی و برای آبیاری کشتزارهای پنبه تجربه کرده است. مبادله تجربیات و برگزاری کارگاه‌های آموزشی متعدد تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی به شکوفایی روابط دو کشور کمک خواهد کرد.

- ایران توانایی خوبی در فرآوری محصولات کشاورزی دارد. ازبکستان نیز محصولات کشاورزی صادراتی زیادی دارد. مبادله دانش فنی، همکاری و ایجاد شرکت‌های مختلط مناسب‌ترین راه توسعه همکاری در این زمینه است.

ایران در زمینه بیابان‌زدایی و مهار ریگ‌های روان که ازبکستان در بیابان قزل قوم به شدت با آن روبه‌رو است، دارای تجربیات جهانی است. همکاری میان ایران و ازبکستان در این زمینه می‌تواند به توسعه و عمران مناطق بیابانی ازبکستان یاری رساند.

## صنعت

هر دو کشور ایران و ازبکستان در زمینه صنایع سنگین تجربیات کافی دارند. مبادله دانش فنی در بخش صنایع سنگین از جمله ماشین‌سازی به ویژه ماشین‌آلات کشاورزی دارای اهمیت بسیار است. هر دو کشور با توجه به جمعیت فزاینده و وجود محدودیت منابع آب و خاک، ناگزیر به توسعه کشاورزی مکانیزه و کشاورزی عمقی با عملکرد بیشتر در واحد سطح با بکارگیری روش‌های علمی نظیر آبیاری‌های تحت فشار، بیوتکنولوژی و روش‌های جدید هستند؛ به همین سبب بخش‌های صنعت هر دو کشور ناگزیر به فعالیت متمرکز در بخش کشاورزی می‌باشند. مهندسی زراعی و به‌زراعی کشاورزی در ایران از سابقه درخشانی برخوردار است. مبادله تجربیات و همکاری‌های نزدیک و انجام پروژه‌های مشترک از جمله زمینه‌های همکاری‌ها است.

## نفت و گاز

ایران و ازبکستان دارای تجربیات خوبی در زمینه اکتشاف، استخراج و پالایش نفت و گاز می‌باشند. تاسیس شرکت‌های مشترک می‌تواند به توسعه همکاری‌ها منجر گردد. در بخش پتروشیمی ایران دارای تجربیات گران‌بهایی است که می‌تواند خدمات فنی مورد نیاز ازبکستان را برای دهه‌های آینده تامین کند. احداث پالایشگاه مشترک و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در این بخش از صنعت بسیار مغتنم است.

## حمل و نقل

ایران برای ارتباط با ازبکستان ناگزیر به گذر از قلمرو ترکمنستان است. موانع حقوقی و گمرکی و نیز مشکلات ترانزیتی در قلمرو ترکمنستان رونق همکاری‌های ترانزیتی و حمل و نقل را از بین برده است. مذاکره هر دو کشور برای رفع این موانع و درخواست از ترکمنستان برای سهولت در امر حمل و نقل ترانزیت از ضروریات است. در این زمینه لازم است نشست‌های سه جانبه مقامات گمرکی می‌تواند به ایجاد تسهیلات گمرکی، گسترش حمل و نقل و ترانزیت و رونق مبادلات تجاری منتهی شود.

جدیت هر دو کشور برای اجرایی کردن موافقتنامه‌های حمل و نقل به ویژه شاهراه ارتباطی ایران - افغانستان - ازبکستان از مهمترین اقدامات است.



پیوستن ازبکستان به ابتکار احداث خط راه‌آهن ساحلی دریای خزر در قلمرو قزاقستان، ترکمنستان و ایران که در نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر در مهر ماه سال ۱۳۸۶ در تهران به امضای سه طرف رسید، سبب توسعه همکاری‌ها در این زمینه خواهد شد.

حضور فعال ازبکستان در دالان ترانزیتی شمال - جنوب سبب خواهد شد که این کشور از موقعیت چهار راهی خود در آسیای مرکزی برای مبادلات تجاری و اقتصادی بهره‌ای بیشتر بگیرد که در نهایت سبب افزایش قدرت تاثیر گذاری ازبکستان در منطقه آسیای مرکزی خواهد شد.

ایران توانایی آن را دارد که ظرفیت مازاد بنادر خود در خلیج فارس را به‌طور میان‌مدت و بلندمدت در اختیار ازبکستان قرار دهد تا این کشور در برنامه‌های مبادلات تجاری بین‌المللی در مدت زمان طولانی از جمله برای صدور محصول پنبه خود به بازارهای بین‌المللی از آن بهره‌گیری کند.

از دیگر موضوعات جالب توجه بین دو کشور همکاری‌های دو جانبه، چند جانبه در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای است.

### گردشگری

با وجود جاذبه‌های تاریخی مشترک از جمله خیوه، سمرقند، بخارا، شهرسبز، فرغانه و نقاط دیگر، متأسفانه کمتر گردشگر ایرانی برای دیدار از این آثار به ازبکستان سفر می‌کند. نبود آگاهی و مشکلات صدور روادید برای ایرانیان، از موانع توسعه این صنعت است. وجود آثار دوره تیموری در ایران و دیگر یادمان‌های تاریخی و دینی به یقین برای گردشگران ازبک می‌تواند جالب باشد؛ لازم است در این زمینه کارهای مناسبی صورت گیرد که نیازمند تشریح مساعی ادارات مرتبط در ازبکستان است.

برقراری تورهای گردشگری ارزان قیمت از طریق راه‌اندازی راه آهن تاشکند - مشهد و نیز خطوط اتوبوسرانی از طریق راه‌های موجود یا شاهراهی که در آینده می‌تواند از طریق افغانستان ارتباط بین دو کشور را برقرار سازد سبب گسترش گردشگری و توسعه روابط همه جانبه دو کشور خواهد شد.

از دیگر عواملی که زمینه‌های همکاری دو کشور را تسهیل می‌کند، می‌توان به موارد

زیر اشاره نمود:

- تسهیل در صدور روادید به ویژه روادید تجاری و حمل و نقل و نیز تسهیل در صدور ویزای توریستی
- برقراری تورهای گردشگری ارزان قیمت برای آشنایی هرچه بیشتر
- مبادله استاد و دانشجو
- بازبینی در تعرفه‌های گمرکی
- فعال سازی کمیسیون‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی و به فعلیت در آوردن مصوبات کمیسیون‌های قبلی
- رفع موانع گمرکی
- برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی مستقل در کشورهای یکدیگر
- تاسیس اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن مشترک<sup>۱</sup>



<sup>۱</sup> متن سخنرانی دکتر بهرام امیراحمدیان در بنیاد سیاست‌های خارجی ازبکستان در ۱۴ آبان ۱۳۸۷

## منابع و مآخذ

۱. همکاری‌های ایران و ازبکستان، متن سخنرانی ارائه شده دکتر بهرام امیراحمدیان در بنیاد سیاست‌های خارجی ازبکستان در ۱۴ آبان ۱۳۸۷.
۲. دکتر بهرام امیراحمدیان، کوشش‌های ناتو برای حضور در آسیای مرکزی، چاپ شده در تاریخ چهارشنبه ۲۵ دی ۱۳۸۷ ۱۳:۳۵:۵۱ از آدرس:  
<http://www.khabaronline.ir/news-1943.aspx>
۳. دکتر بهرام امیراحمدیان، جهش آسیای مرکزی به سوی توسعه، روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۷، ۶ شوال ۱۴۲۹، ۶ اکتبر ۲۰۰۸، شماره ۲۴۳۰۵.
۴. روزنامه «پراودا وستوکا» مورخ ۷ فوریه سال ۲۰۰۸ (برابر با ۱۸ بهمن سال ۱۳۸۶).
۵. هفته‌نامه «دلاوی پارتتر» شماره ۱۲ مورخ ۲۶ مارس سال ۲۰۰۸ میلادی چاپ تاشکند. انتشارات وزارت روابط اقتصادی خارجی، سرمایه‌گذاری و بازرگانی جمهوری ازبکستان.

6. Jim Nicol. CRS Report for Development and US interests available in:  
[www.au.af.mil/au/awc/awcgate/crs/rs21238.pdf](http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/crs/rs21238.pdf).





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی